



سید شهدای انقلاب اسلامی لبنان بود...

سخنان شهید دکتر فتحی الشقاقی
در رثای شهید سیدعباس موسوی

موسوی دیدار می‌کردم او را نگران فلسطین و نگران انتفاضه و نگران کودکان مستمند و نگران وحدت و جهاد و پیکار می‌یافتم. دقیق‌ترین جزئیات رویدادی فلسطین را جویا می‌شد. مثل اینکه قصد داشت به این سرزمین عروج کند. همه هشدارها را نادیده گرفت و همواره به جنوب لبنان می‌رفت.

هنگامی که مسئولان گروه‌های دهگانه مقاومت فلسطین در حاشیه همایش همیاری انتفاضه فلسطین در سال ۱۹۹۱ در تهران گرد هم آمدند، احساس شرم کردند که جلسه کاری تشکیل دهند و سیدعباس موسوی اولین شرکت کننده آن جلسه نباشد. چرا که در آن شرایط سخت و دشوار اولین فدایی استثنایی بود. سخنان افتتاحیه آن جلسه را او ایراد کرد. چرا که اولین شلیک کننده آتش او بود. مسئولان گروه‌های مقاومت فلسطین به اتفاق آراء او را به ریاست کمیته تدوین قطعنامه برگزیدند. چرا که او تاریخ فلسطین را با خون و گلوله رقم می‌زد.

ای سید، هرگاه با یکدیگر ملاقات می‌کردیم، نخستین پرسش‌تان این بود که برای رهایی فلسطین چه گامی برداشته‌اید؟ پس از بیانیه و موافقتنامه تهران چه کار کرده‌اید؟ سرور من اکنون کیست که این پرسشها را با من در میان بگذارد؟ سرور بزرگ من، برای تو مرثیه نمی‌خوانم؛ این مردم هستند که برای مردگانشان مرثیه می‌خوانند. برای تو مرثیه نمی‌خوانم. تو زنده هستی! کودکان معصوم تو را زنده می‌دانند. گلوله مجاهدان، فریادهای انتفاضه تو را زنده می‌دانند. شما به انتفاضه اصالت بخشیده‌اید نه آن دسته از زمامداران عرب از خلیج فارس گرفته تا اقیانوس اطلس! سرور بزرگ من، برای تو مرثیه نمی‌خوانم؛ برای سندلیها، دفاتر و اوراق و اسناد خویش مرثیه می‌خوانم. باید برای آنها آتش بیفروزیم و پشت سرت در خیابانها راه بیفتیم. به سوی جنوب، جنوب لبنان سرازیر شویم، جنوب فقیران و مردمان ستم‌دیده تا شهادت و یا آزادی قدس.

در حقیقت تنها دغدغه لبنان و فلسطین را نداشت، سرتاسر جهان را روستای خود می‌پنداشت. سرتاسر جهان اسلام را حریم حیاتی خود می‌دانست. سیدعباس موسوی از کشمیر و افغانستان و پاکستان بازدید کرد، از من گله کرد و گفت چرا همراه ما نیامدید؟ اوضاع و رویدادهای الجزایر، تونس، سودان، مصر، اردن و سرتاسر این میهن پهناور را پیگیری می‌کرد. هر گاه می‌شنید یک شهروند مسلمان در گوشه‌ای در جهان مورد سرکوب و ستم قرار گرفته و یا مسلمانی به پا خاسته است به کمک او می‌شتافت. چندی پیش در سایه نابوری این رهبر بی‌ظنیر فرا ملیتی از میان رفت

جبهه رویارویی با صهیونیسم جهانی می‌ایستاد و فریاد بر می‌آورد و در حالی که همه در برابر آمریکا سر تسلیم فرود آورده بودند، تنها سیدعباس موسوی این بازمانده اهل بیت (ع) بر پیمان خود با اهل بیت (ع) وفادار مانده بود، و به راهش ادامه می‌داد. در شب تاریک اعراب خروش مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل بر می‌داد. او می‌گفت آمریکا هیچ نقشی در تعیین سرنوشت ما ندارد و تسلیم زور گویی امریکانمی شویم.

آری، سید شهدای مقاومت اسلامی لبنان این چنین بود. یک شهروند لبنانی به من نشان دهید که در ده سال گذشته از نظر شرافت و جوانمردی و دفاع از آرمان فلسطین هم ردیف سیدعباس موسوی بوده است! یک شهروند فلسطینی به من نشان دهید که در ده سال گذشته همچون سیدعباس موسوی به شیوه افتخارآفرین و مردانه در برابر اشغالگران صهیونیست ایستادگی کرده باشد! یک شهروند عرب به من نشان دهید که مانند سیدعباس موسوی با جوش و خروش و جوانمردی مبارزه کرده باشد! بنابراین، او را مرد شماره یک فلسطین می‌نامم. در برابر خدا و در برابر تاریخ و در

سیدعباس با شهادت خود عجز و ناتوانی نظام‌های عربی که سرشان را زیر برف پنهان کرده‌اند را آشکار کرد. این نظامها خبر شهادت این سید قهرمان را نیز سانسور کردند. تا این خبر تاثیر منفی بر همسویی آنان با عربده کشی امریکا نداشته باشد. این نظامها از خادم‌الحریمین شریفین گرفته تا پیشوای کمیته دفاع از قدس که خود را امیرالمؤمنین مغرب معرفی می‌کند، در ستون فروشندهگان قدس صف کشیده‌اند

در این مرحله دشوار و طاقت‌فرسا، در این مرحله دلنگ و سست‌آور، نام سیدعباس موسوی می‌درخشد. چه نام و چه نشانه بزرگی است. همه نشانه‌های عصر حاضر را در خود خلاصه کرده است... مثل اینکه همه نام‌ها و نشانه‌ها به او ارتباط دارند... مثل اینکه همه نام‌ها و نشانه‌ها با نام او هماهنگ و همگرا شده‌اند؛ از انتفاضه و جهاد خستگی‌ناپذیر ملت فلسطین گرفته، تا لبنان رهایی یافته از چنگ نیروهای چند ملتی، تا جنوب لبنان آزاد گشته از لوٹ اشغالگران صهیونیست، تا انقلاب اسلامی در این جهان پهناور، از تهران گرفته تا سرتاسر میهن اسلامی، تا نام امام خمینی بزرگ، همه با نام و نشان سیدعباس موسوی گره خورده‌اند.

زمین با خون سیدعباس رنگین شد، افق با خون فرزند پیامبر رنگین گشت، خون با خون درآمیخت، رود خون در دفاع از عقیده، سرزمین، سرنوشت و تاریخ و در دفاع از حق، عدل، آزادی و کرامت انسانی جریان یافته و توقف نخواهد کرد، از حمزه گرفته تا ابا عبدالله الحسین (ع) تا سیدعباس موسوی، درود بر شما خاندان رسول‌الله (ص) که با خون پاکتان این دشت تاریک را روشن می‌کنید.

در شرایطی که دسته‌ای از زمامداران عرب در برابر آمریکا کمر خم کرده‌اند و با محافل جدید یهودی در مسکو شراب می‌نوشند و به داستان سرایی می‌پردازند، سیدعباس موسوی این نواده اهل بیت در شب تاریک اعراب فریاد مرگ بر شیطان بزرگ، مرگ بر اسرائیل، اراده امریکا تعیین کننده نیست، سر دادای سید، ای فدایی قهرمان، از اولین لحظه‌ای که با تو آشنا شدم، به فروتنی و مهربان بودن تو غبطه می‌خوردم، بر تو غبطه می‌خوردم که برای دفاع از آرمان فلسطین از فلسطینیها دلسوزتر بودی. برای کودکان و مستضعفان انتفاضه احساس درد و اندوه می‌کردی، برای وحدت، جهاد و پیکار تلاش می‌کردی.

نام بزرگ سیدعباس موسوی، این برجسته‌ترین شاگرد مکتب و راهکار خمینی چندی پیش از دستور کار و فرهنگ زندگی‌مان حذف شد. این قهرمان استثنایی در این مرحله استثنایی از میان ما رفت. در شرایطی که رهبران و زمامداران و سران نظام‌های عرب برای دیروزگی حمایت و لطف و عنایت شیطان بزرگ امریکا صف کشیده‌اند، و به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ پناهگاهی جز آبشخور امریکا وجود ندارد. سیدعباس موسوی در عمق سرزمین جنوب لبنان پیشروی می‌کرد تا با سیمای گندمگون و با مشت، خمینی صفتانه و با صدای آرام و مهربان که حزن و اندوه و خشم و خروش امت را پنهان می‌کرد، در خط مقدم

سیدعباس با شهادت خود عجز و ناتوانی نظام‌های عربی که سرشان را زیر برف پنهان کرده‌اند را آشکار کرد. این نظام‌ها خبر شهادت این سید قهرمان را نیز سانسور کردند. تا این خبر تاثیر منفی بر همسویی آنان با عربده کشتی امریکا نداشته باشد.

هیچ راهی را نمی‌پذیرند. همه بهشت‌های روی زمین را رد می‌کنند. حاضرند زیر برف‌ها دفن شوند اما، از عشق به میهن چشم پوشی نکنند. کسانی را که در کشورهای اروپایی و آمریکایی در رفاه و خوشگذرانی زندگی می‌کنند و قدس و سرزمین فلسطین را به فراموشی سپرده‌اند، به باد مسخره گرفته‌اند. تبعیدیان مرج الزهور نماد مردانی هستند که ملت فلسطین و آرمان فلسطین به وجود آن زنده است. آنان پیشگامان ملتی هستند که شایستگی حیات و زندگی را دارد و پیروزی او اجتناب‌ناپذیر است. برادران مجاهد، به مناسبت شهادت ابر مرد فلسطین، پایبندی جنبش جهاد اسلامی به تلاش برای آزادی سرتاسر سرزمین فلسطین از دریای مدیترانه گرفته تا رود اردن را اعلام می‌دارم. مخالفت قاطع ملت فلسطین را با گفت‌وگوهای ننگین و ذلت بار و اشننگتن ابراز می‌دارم. از هیئت ناکام و ناامید فلسطینی می‌خواهیم از خواب غفلت بیدار شود، و به آغوش ملت باز گردد. ملت فلسطین طرح‌های خودگردانی محدود و همه طرح‌های سازش کارانه که هدف آن نابودی آرمان فلسطین است را رد می‌کند. به همه می‌گویم که اولین و آخرین گزینه ملت فلسطین ایستادگی مقاومت و پایداری و ادامه راه جهاد و مبارزه خسته ناپذیر است.

به مناسبت شهادت سیدعباس موسوی این سید بی‌نظیر کربلای حسینی و خمینی تأکید می‌کنم که کربلا همچنان در وجدان ما زنده است. در خون ما و وجدان بیدارمان نام حسین (ع) زنده است. خمینی بزرگ همچنان در حیات ما و رفتار ما حضور دارد. آن سید بزرگ که به او توصیه می‌کردند به جنوب لبنان و شهر جنیبت نرود، از میان‌مان رفت. همان گونه که به جد بزرگ او ابا عبدالله الحسین (ع) توصیه کردند که به شمال و به طرف کربلا نرود. اما، حسین به کربلا رفت تا با مرگ خود به ما زندگی ببخشد. درود بر توای فدایی بزرگ، درود بر حزب‌الله که با شهادت دبیرکل آن حیات دوباره می‌یابد. این حزب پیروز است. ■

همین حال فرزندان امت به جهاد و مقاومت ادامه می‌دهند. شکست خوردگان و سازش کاران همچنان به شیطان امید دوخته‌اند. ملت‌های منطقه با شجاعت و صفت ناپذیر و نشاط معجزه‌آمیز به راهشان ادامه می‌دهند تا درخت تنومند انتفاضه را با خون پاک‌شان آبیاری کنند. این در حالی است که دل باختگان اجلاس مادرید و واشنگتن می‌کوشند از انتفاضه در اجرای طرح‌های چندش آور بهره‌برداری کنند. همه می‌دانند که این طرح‌ها ملت فلسطین را از حقوق انکارناپذیرش محروم می‌کند. هويت ملی او را از بین می‌برد. همه می‌دانند طرح خودگردانی که اسحاق شامیر (نخست وزیر پیشین اسرائیل) و پس از او اسحاق رابین (نخست وزیر معدوم اسرائیل) به هیئت مذاکره کننده فلسطینی ارائه کرده‌اند، یک طرح فریبنده و پوچ بیش نیست. اسحاق ترکیب هیئت اسرائیلی مذاکره کننده با نمایندگان دولت‌های عربی را تغییر داد و هیئت مذاکره کننده با فلسطینی‌ها را دست نخورده باقی گذاشت تا هیچ امتیازی به فلسطینی‌ها ندهد اما، با این وصف رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین در پی پیروزی حزب کار در انتخابات مجلس رژیم صهیونیستی اعلام کرد که اسرائیلی‌ها به روند صلح رأی مثبت داده‌اند! بسا این وصف اعراب برای رهبری ورشکسته و سازش کار فلسطین تبلیغ کردند. این رهبری به نوبه خود برای حزب کار و رئیس آن اسحاق رابین تبلیغ کرد، و به افکار عمومی جهان گفت که صهیونیست‌ها پیامبران صلح‌اند اما، شما به سیاست سرزمین سوخته اسحاق نگاه کنید. او با موشک، خانه‌های مردم را در جنوب لبنان و در شهرهای غزه و خان یونس بر سرشان خراب می‌کند. جوانان انتفاضه را در سرزمین‌های اشغالی بازداشت و با خونسردی به قتل می‌رساند. در نتیجه سیاست مشت آهنین اسحاق، شهادی فلسطین روز به روز افزایش می‌یابد. این در حالی است که همه نظام‌های عرب برای رابین هورا کشیدند، و او را صلح طلب معرفی کردند. آنگاه رابین صدها تن از فرزندان ملت فلسطین را در شرایط سرمای زمستان و یخبندان به جنوب لبنان تبعید کرد. محافل و مجامع بین‌المللی و نظام‌های حاکم عربی تخم به ابرو نیاوردند. این تبعیدیان با دست خالی و شکم گرسنه، اما با عزمی پولادین و اراده آزاد خواسته‌های خود را بر نفاق و بی‌عدالتی و معیارهای دوگانه مجامع بین‌المللی تحمیل کردند. نگاه کنید، آنان مانند کوه ایستاده‌اند. جز بازگشت به میهن شان



تا با شهادت خود ثابت کند نظام بین‌المللی که بر مبنای پنداشت‌های زور و سلطه‌گری برپا شده است، اصل تروریسم بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. بنابراین، ارکان و عوامل این نظام همواره برای ترور شخصیت‌های دلسوز، و اعراب جریانات زنده دنیا که در برابر قلدری و طغیان‌گری این نظام مقاومت می‌کنند، آماده‌اند.

سیدعباس با شهادت خود عجز و ناتوانی نظام‌های عربی که سرشان را زیر برف پنهان کرده‌اند را آشکار کرد. این نظام‌ها خبر شهادت این سید قهرمان را نیز سانسور کردند. تا این خبر تاثیر منفی بر همسویی آنان با عربده کشتی امریکا نداشته باشد. این نظام‌ها از خادم‌الحریمین شریفین گرفته تا پیشوای کمیته دفاع از قدس که خود را امیرالمؤمنین مغرب معرفی می‌کند، در ستون فروشنده‌گان قدس صف کشیده‌اند.

در این میان تنها سیدعباس موسوی است که در راه دفاع از قدس در خون خود می‌غلطد. او با شهادت خود ثابت کرد که وعده‌های پوچ و تو خالی صلح امریکا سرابی بیش نیست. دشمن صهیونیستی فقط می‌خواهد اراده و سلطه‌اش را بر ما تحمیل کند. می‌خواهد ما را بنده ذلیل و ناتوان خود قرار دهد. شهادت سیدعباس این درس را به ما آموخت که این امت زنده است، و هرگز سر تسلیم فرود نمی‌آورد. خداوند اراده کرده تا این بخش از امت که در خطوط تماس مستقیم با دشمن قرار دارد، امتی زنده و پویا باشد، تا با نشانه‌های ایمان و ایثار و فداکاری بدرخشد. قدرت‌هایی که اداره‌شان را بر بیشتر زمامداران و نظام‌های عرب منطقه تحمیل کرده‌اند، بدانند که هرگز اراده‌شان را بر ملت‌های منطقه و گروه‌های مجاهد و فدakar تحمیل نخواهند کرد. قدرت‌هایی که با موشک و تکنیک برتر توانستند دژهای تسخیرناپذیر را به تصرف خود درآورند، هرگز قادر نخواهند بود یک روستای مقاوم جنوب لبنان را تسخیر کنند.

اکنون که سید شهادی مقاومت به شهادت رسیده است، دشمن به تجاوز گری و برتری جویی ادامه می‌دهد. در

